

نگاه

اشتباه دوباره شورای پول



شاهین شایان آرانی

کارشناس اقتصادی

● شورای پول و اعتبار به روال هر سمنشبه تشکیل جلسه داد اما در مورد مهم‌ترین شاخص اقتصادی تصمیم‌گیری نکرد. به‌این‌ترتیب نرخ سود ۱۴درصدی برای سال آینده هم تثبیت شد. به نظر می‌رسد آنانی که در این شورا نشست‌هاند و برای سطوح کلان کشور تصمیم‌گیری می‌کنند چشم‌های خود را بر تورم ۳۲درصدی بسته‌اند. این نرخ تورم، نرخ رسمی است که توسط بانک مرکزی اعلام شده است. با این حال علمه مردم می‌دانند که این نرخ بالاتر از این میزان است. در چنین شرایطی تثبیت نرخ سود ۱۲درصدی (نرخ سود سپرده‌های پنج‌ساله) جای بسی پرسش دارد. امکان دارد، اعضای شورای پول و اعتبار یا به دلایل سیاسی این نرخ را تثبیت کرده باشند یا اینکه از نرخ تورم موجود خبر ندارند. نرخ سود ۲۱درصدی نه اسال توانست وجوه مردم را به سوی بانک‌ها سوق دهد و نه در سال آینده چنین کارایی خواهد داشت. شواهد نشان می‌دهد، با تثبیت نرخ سود، نقدینگی مازاد همچنان سرگران خواهد بود و هر دم از بازاری سوده‌ده سر می‌آورد. در چنین شرایطی ریزش سپرده‌های بانکی که از اواخر سال ۹۰ آغاز شده با شدت بیشتری در سال آینده ادامه می‌یابد. تنش‌های دو بازار سکه و ارز نیز به روال سابق ادامه خواهند داشت. سایر بازارمانند مسکن وخودرو جزا از این موضوع بی‌نستند وامکان تنش در این بازارها هم وجود دارد. این نرخ سود به هیچ‌وجه جذاب نیست و با این نرخ سود سپرده‌ها از بانک‌ها خارج می‌شوند. با خروج سپرده‌ها، منابع بانکی کاهش می‌یابد وفشار بر بانک‌ها بیشتر می‌شود. واحدهای تولیدی که مدتی است از کمبود تسهیلات گرایه‌مندند با فشار بیشتر مواجه می‌شوند. در چنین شرایطی احتمال روی آوردن به بازار زیرزمینی پول برای تأمین نقدینگی بیش از قبل شدت می‌گیرد که این نیز تبعات خاص خود را دارد. بهترین تصمیم، افزایش نرخ سود بانکی با توجه به تورم ۳۲درصدی است. البته امکان دارد این گمانه مطرح شود که با افزایش نرخ سود بانکی هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد و تولید نزارت از قبل می‌شود. در حالی که تولید منته‌النتج کاهش می‌گیرد. بسیاری از تولیدکنندگان حاضرند به ازای دریافت تسهیلات، سود بیشتری به بانک‌ها پرداخت کنند. در واقع بسیاری از واحدهای تولیدی نمی‌توانند از بانک‌ها وام دریافت کنند. پس چندان فرقی نمی‌کند که نرخ سود تسهیلات پایین باشد یا بالا. صرف توجه ویژه به تولید و عدم افزایش نرخ سود بانکی تبعات منفی دیگری برای اقتصاد دارد که یکی از مهم‌ترین آنها افزایش قیمت ارز و گرانی تمامی کالاها و خدمات است.

خبر

دولت قیمت گاز و پیل مصرفی وزارت نفت را گران کرد

● **مهر:** با مصوبه جدید دولت، قیمت هر لیتر گازوییل مصرفی در دکل‌های حفاری نفت و گاز با افزایشی حدود ۷ برابری به بیش از دوهزار تومان بهای هر لیتر افزایش یافت. در حال حاضر نزدیک به یک‌صد دستگاه دکل حفاری خشکی و جک آب دریایی در صنعت نفت و گاز ایران به طور همزمان مشغول به کار است. با این وجود، اخیرا با صدور مصوبه‌ای توسط دولت و اجرای طرح فروش گازوییل با قیمت‌های منطقه‌ای بهای گازوییل مصرفی دکل‌های حفاری نفت و گاز ۷برابر شده است. قیمت فروش هر لیتر گازوییل از نرخ مصوب و آزاد ۲۵۰تومان به بیش از دوهزار تومان افزایش یافته است. به طوری که در برخی استان‌های مرزی دوهزار تومان و در جزایر و منطقه خلیج‌فارس حتی تا لیتری دو هزار و ۵۰۰ تا دو هزار و ۷۰۰تومان هر لیتر گازوییل به دکل‌های حفاری توسط شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی استانی عرضه می‌شود.

ادامه از صفحه اول

درس نیاموخته

مساله مهم دیگر در این زمینه، لطمه‌های سنگین رویه افراطی انبساط مالی به فرهنگ تولید و عزت نفس انسان‌هاست. در هیچ کجای دنیا از طریق تحریک انگیزه‌های مصرفی و همزمان با آن تشدید فشار بر بنیادهای تولید ملی نمی‌توان انتظار داشت که توسعه رخ دهد. با وجود اینکه دولت به شرایطی قرار دارد که حتی قادر به پرداخت هزینه‌های قطعی‌ای به بیم‌کاران طرف قرارداد با دولت یا نهادهای وابسته به دولت نیست، اما اصرار غیرمتعارف بر افزایش پرداخت‌های نقدی به شهروندان، لایه‌لست فراوانی را ایجاد کرده و برخی آن را به مسایلی چون انتخابات مربوط می‌داند. از سوی دیگر دولت در کنار این تصمیم نابخسته اقتصادی، با سیاست‌های غیرکارشناسی خود فشارهای زیادی را به طبقات محروم و کم درآمد جامعه از طریق تحمیل و تشدید بدهی‌های رکود تورمی به عمل آورده است. تگزانه پیش‌تر تاکید کرده بود گرچه رویه‌بهای اتخاذ شده توسط نمایندگان اجتناب‌ناپذیر و ضروری است اما در عین حال باید توجه داشته باشیم که این اقدامات به هیچ وجه کافی نیستند. در واقع باید تلاش کرد تمایل دولت به بی ثباتی فضای کلان اقتصاد ملی کنترل شود. بی ثباتی اقتصادی، دشمن بزرگ اقتصاد ملی و خدام بزرگ شرکای تجاری ماست. با کمال تأسف در لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ آشکاری ملاحظه می‌شود که دولت علاوه بر آنکه دستاوردهای نظری و تجربه‌های جهانی و ایران در زمینه شوک درمانی را نادیده گرفته حتی عمل‌نشان داده است که از تجربه چند دهه اخیر خود نیز درسی نیاموخته است.

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۱

اقتصاد

حسن طلایی در گفت‌وگو با «شرق»:

تعیین حداقل دستمزد ضد اشتغال است

مهدی افشارنیک: تعیین سطح دستمزد ضد اشتغال است. این نظر دکتر «حسن طایی» است که یکی از اقتصاددانانی است که روی مفهوم «اشتغال» پژوهش‌های دامنه‌داری کرده است و بر اساس تحقیقاتش به این رسیده که باید مدل «مزد منقطع» را به جای تعیین حداقل دستمزد به کار برد. از نظر او این شیوه باعث می‌شود که اشتغال بیشتری صورت گیرد و قراردادهای کاری به شکل حرفه‌ای بسته شود و کارگران از حمایت‌های بیمه و تأمین اجتماعی و حقوق بیکاری بهره‌مند نشوند. این قسمت اول گفت‌وگو با او است که در دفتر او در دانشکده اقتصاد علامه صورت گرفت.

● **سطح دستمزد و دریافتی کارگران از نظر شما چه جایگاهی در تحلیل اقتصاد کلان دارد؟**

مهم‌ترین این رابطه، ارتباط سطح دستمزد با تولید ناخالص ملی است. این شاخص درآمدهای کاری بر GDP بود که

روند آن کاهش است، این روند کاهش با وجود این است که دستمزدهای حقیقی در ۴۰، ۳۰ سال گذشته یک روند صعودی داشته است. اینجا یک موضوعی مطرح می‌شود که چرا سهم منابع درآمدهای انسانی در GDP کاهش یافته است. مگر نمی‌گوییم که دستمزد‌ها باید براساس سطح تورم یا بهروری یا وضعیت کلی اقتصاد باشد. حال بررسی کنیم ببینیم که آیا این عوامل رخ داده است یا نه. در حین بررسی این موارد متوجه می‌شویم که به‌طور کلی سطح دستمزد‌ها در اقتصاد یکی مربوط می‌شود به تحولات تکنولوژی آن دیگری بحث جهانی شدن است. عامل سوم مالی‌سازی جهانی است. موضوع دیگر نهادهای بازار کار و دولت رفاه است و عامل بعدی وجود جمعیت بیکار یا نرخ بیکاری است. این پنج عامل تعیین‌کننده کاهش سطح دستمزد‌ها هستند که در اقتصاد کلان مطرح هستند. این بحث در سطح جهانی است ولی وقتی می‌آییم در مورد ایران صحبت می‌کنیم می‌بینیم که در ایران اصولا سطح دستمزد‌ها کلا پایین است، من بحثم این است که سهم درآمدهای کاری منابع انسانی به تولید ناخالص ملی یا GDP در کشور ما به ۵۰ درصد و ۴۷درصد است در مقایسه با متوسط جهانی آن که حدود ۶۰ است.

● **از واقع این ۱۳درصد یک شکاف است.**

این یک مساله و سوال جدی است که برای ما چرا کاهش پیدا کرده است و چرا کمتر است پس در واقع در ایران سطح دستمزد‌ها پایین است؟

● **خب این شکاف یعنی چه؟ آیا صاحبان سرمایه می‌برند؟ قضای کسب و کار رانتی است؟**

یک بخشی از آن را صاحبان سرمایه می‌برند و هزینه‌های مبادی‌الای اینجا خیلی مهم است اما به طور کلی باید در نظر داشت که دستمزد‌ها در کنار نرخ بهره، در کنار نرخ تورم و در کنار نرخ ارز این معنا می‌یابد. تغییر و تحولات این چهار شاخص با هم جزو مسایل اساسی است. در اقتصاد ایران متأسفانه این چهار شاخص مشکل دارند هیچ‌کدام از اینها یک روند پائباتی را نشان نمی‌دهد. همه این چهار تا در مقایسه با شاخص‌های جهانی خیلی بیشتر از مقدار خودشان هستند. این چهار شاخص که در واقع راهنمای عمل و تصمیم‌گیری آحاد اقتصادی است بسیار علایم ناخوشایند و غیرامیدوارکننده‌ای به صاحبان بنگاه‌ها می‌دهد. مجموعه این مسایل باعث شده است که نه صاحب بنگاه از وضعیت خودش راضی باشد و نه نیروی کاری که در این بنگاه‌ها مشغول به کار هستند و از دستمزدهایش ناراضی است.

در مورد دستمزد‌ها، من نمی‌گویم که سطح دستمزد‌ها در ایران بالاست و نمی‌گویم دستمزد افزایش پیدا نکند سخن من این است که باید از اعلام یک حداقل دستمزد سراسری که به کل کشور باید سراتش دهیم بهره‌یزیم. چرا؟ چون این حداقل دستمزد مانع از استخدام و جذب نیروی کار تازه‌وارد به بازار کار می‌شود من بحثم این است.

● **شما تصادتان به تولید و اشتغال بیشتر است تا اینکه از لحاظ قیمتی حجم دریافت کارگرها بالا برود.**
بله، بنگاه‌ها می‌خواهند دستمزد‌های نیروهایشان را بالا ببرند، ببرند اما بر اساس بهروری عمل کار بر ارزش تولید نهایی که یک نفر برای بنگاه ایجاد می‌کند. این طوری حقوقش محاسبه شود. بحث دیگر در مورد آنهایی است که شاغلند. بنگاه‌ها خودشان می‌دانند که مهم‌ترین سرمایه یا دارایی‌شان نیروی انسانی و پرسنل‌شان است. همین دارایی‌های انسانی که در بنگاه‌ها وجود دارد آنها باید براساس این دارایی بروند سراغ دستمزد کارا؛ دستمزدی که بتواند بهروری نیروی کار را بالاتر ببرد. صاحبان بنگاه‌ها می‌دانند که اگر به‌طور کلی حقوق و دستمزد پرسنل خودشان را بالا ببرند کیفیت‌شان بالا می‌رود و میزان تقاضا برای کالایشان بالاتر می‌رود. این در جای خودش، با این موافقم اما وقتی شما می‌آیید حداقل دستمزد اعلام می‌کنید قضیه فرق می‌کند. من با این مخالفم، علنش هم این است که شغل و کار را بیشتر مانع می‌شود. ما الان چهار، پنج‌میلیون نفر بیکار داریم. آمار‌ها مشخص نیست ولی حداقل چهارمیلیون است.

● **شما بر اساس نرخ بیکاری که بانک مرکزی اعلام می‌کنم‌می‌گویید؟**

بله، البته تقریبا مقداری محاسبات خودم هم هست که بیش از چهارمیلیون بیکار داریم. از طرف دیگر ما الان پنج‌میلیون دانشجو داریم. این پنج‌میلیون طرف پنج‌سال آینده موسوما وارد بازار کار می‌شوند در واقع خدمات آموزش عالی که قرار بود یک بازار مکمل برای بازار کار

باشد الان شده یک بازار جانشین.

چهار، پنج میلیون آنجا هستند. چهار، پنج‌میلیون هم اینجا اگر بگوییم که هم‌پوشانی بین اینها وجود دارد که قطعاً هم وجود دارد شما می‌بینید ما یک بازار کاری داریم که جمعیت بیکار آ‌مساده ورود به بازارش نزدیک به هفت تا هشت‌میلیون است. من وقتی این جمعیت هفت، هشت‌میلیونی را می‌بینم دلم می‌خواهد اینها وارد بازار کار و جذب شوند. مهم این است باید به این سمت برویم که اشتغال بالاتری داشته باشیم. وقتی شما سطح دستمزد را سراسری می‌کنید در واقع اشتغال در شهرهای کوچک را مانع می‌شوید.

● **ا من فهمم از سخن شما این است که برای شهرهای بزرگ همین سطح دستمزد وزارت کار را در نظر بگیریم ولی برای شهرهای کوچک بیاییم سطح دستمزد‌ها را پایین بیآوریم.**

قطعاً همین‌طور است. این حداقل دستمزد برای مثلا بخش شهری شهرهای بزرگ است. بخش روستایی شهرهای بزرگ متفاوت است. من می‌گویم یک حداقل سطح دستمزد برای شهرهای بزرگ تعیین کنیم هیچ اشکالی ندارد وقتی می‌رسیم به شهرهای کوچک‌تر اجازه بدهیم کارفرما‌ها منعطف عمل کنند. حالا همین را سرایت بدهید به مناطق بسیار دورافتاده و مناطق مرزی کشور، همه مناطق مرزی کشور، که بازار کار بررونی ندارند. من بحثم این است که اجازه بدهید آنجا صاحبان بنگاه‌ها و نیروی کار بر اساس مقتضیات بنگاه و محل کارفرما و کارگر قرارداد ببندند که بی‌تردید از سطح دستمزد فعلی پایین‌تر است.

● **بله، من این را دیدم که در شهرستان‌ها به کارگر ۲۲۰هزار تومان دستمزد می‌دهند ولی قرارداد ندارند.**
آنچه که در واقع ما می‌خواهیم این است که قرارداد‌ها رسمی باشد یعنی به هر نیروی کاری اگر ۲۰۰هزار تومان هم هم دستمزد می‌دهند. طی قرارداد باشد این نیروی کاری که می‌خواهد استخدام شود حالا در یک نقطه دورافتاده و مرزی، اشکالی ندارد یا ۲۰۰ یا ۲۵۰هزار تومان قرارداد ببندد ولی باید از تمام مزایای قانون کار برخوردار شود. این مزایای قانون کار مثل همه مفاد حمایتی رفاهی تعیین‌شده توسط قانون کار برای جامعه کارگری است از جمله بیمه‌های تأمین اجتماعی، پرداخت بابت حوادث ناشی از کار بیمه بیکاری، پرداخت‌های دوران بازنشستگی غرامت‌آخراج و...

اگر من می‌گویم دستمزد منعطف شیوه درستی است یک اما دارد. آن هم به شرطی که تمهیدات لازم برای اجرای قانون کار و مسایل حمایتی و رفاهی که توسط قانون کار تعیین شده اعمال شود. حالا سطح دستمزد ۴۰۰هزار تومان نباشد من این اطمینان را براساس تجربه داش تخصصی خودم دارم که اگر نیروی کار استخدام شود و با قرارداد رسمی و با برخورداری از این مجموعه حمایتی باشد مطمئنا به سال نمی‌کشد شایستگی‌های خودش را نشان می‌دهد و با صاحب بنگاه به یک مرحله بالاتر برای گفت‌وگو و قرارداد بهتر می‌رسد. پس ایده موضوع دستمزد منعطف بسیار ایده خوبی است.

● **بحثی که وجود دارد این است که اگر این به‌صورت رسمی و قانونی شود شاید موجب جابه‌جایی معکوس سرمایه و نیروی کار از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک شود. شما این احتمال را نمی‌دهید.**
با توجه به اینکه در شهرهای بزرگ هزینه‌ها خیلی بالاست این افزایش دستمزدی که در مناطق مرکزی است توسط تورم از بین می‌رود پس بنابراین انگیزه مهاجرت از پیرامون به متن را کاهش می‌دهد چون تورم عامل تعیین‌کننده این مهاجرت‌هاست. اما مساله سرمایه‌از مرکز به پیرامون. اگر چنین اتفاقی بیفتد خیلی مبارک است چون اصولا تولید و اشتغال و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران در یکسری از شهرهای بزرگ متمرکز است اگر بتوانیم به‌واسطه این قانون این را به تمام اطراف کشور توزیع (به شهرهای کوچک) کنیم بسیار وضعیت مبارکی است. این موجب می‌شود که همه کشور آباد شود. شما به نقشه ایران که توجه می‌کنید از شمال‌گور، شمال‌غرب و غرب جمعیت متمرکز است ولی وقتی که به سمت شرق و جنوب می‌آیید

یک سرزمین خالی از جمعیت می‌بینیم. در جاهای دیگر کشور، جمعیت بسیار متراکم است، بنگاه‌ها به‌طور نسبی بسیار زائدند، اشتغال هست، سرمایه‌گذاری هست اما در گوشه‌ای دیگر نیست چه مانعی دارد ما با این سیاست‌ها بیاییم سرمایه‌گذار و بنگاه‌دار را سوق دهیم به مرزهای کشور، درواقع هر بنگاهی که در شهرهای پیرامونی در نقاط مرزی کشور شکل بگیرد این باعث افزایش امنیت ملی کشور می‌شود. یک بنگاه اقتصادی برای امنیت ملی کشور از یک پادگان مؤثرتر است.

● **البته تصدیق می‌فرمایید که عامل مهاجرت سرمایه‌از مرکز به پیرامون، انگیزه‌های بالاتر از دستمزد‌های فعلی را می‌خواهد.**

بله. ببینید دستمزد یکی از عوامل تعیین‌کننده است. اگر قرار باشد جلوی مهاجرت نیروی کار را از پیرامون به مرکز بگیریم، باید بسته حمایتی برای حمایت از سرمایه‌گذاری‌هایی که در پیرامون انجام می‌شود را تهیه کنیم. یکی از این بسته‌ها کاهش امور مربوط به دستمزد‌هاست که مهم‌ترین آن مربوط به تسهیلات اعتباری است که به آنها اعطا می‌کنیم. انواع امکاناتی که در استان‌های پیرامونی وجود دارد و می‌خواهند به سرمایه‌گذار بدهند باید شفاف‌تر به سرمایه‌گذاران توضیح دهیم و حمایت‌های لازم را انجام دهیم تا سرمایه به استان‌های محروم و عقب‌مانده سوق پیدا کند.

● **آقای دکتر الان شما گفتید بسیاری از بنگاه‌های کوچک در پرداخت این سطح دستمزد‌ها مشکل دارند.**
سوال این است: از وضعیت شهرهای بزرگ مانند کارخانه‌های خودروسازی که از دولت رانت هم دریافت می‌کنند و دستمزد خوبی هم به پرسنل‌شان می‌دهند. اینها

ولی کارشان اقتصادی نیست. در واقع در تعریف از بنگاه گنجانده نمی‌شوند چون دولت ضررهای آن را پوشش می‌دهد. نقطه معکوس آن بنگاه‌های کوچک در شهرهای بزرگ است. حالا اگر شما بخواهید بگویید که این موضوع مزد منعطف برقرار شود باعث آن نمی‌شود که بنگاه‌های کوچک در شهرهای بزرگ میل پیدا کنند که از تهران بروند؟ چون نمی‌توانند با

بنگاه‌های بزرگ رقابت کنند. اشکالی ندارد که این اتفاق بیفتد. به‌طور کلی این مهم برای من در این موضوع این است که این بنگاه‌های کوچک آلا نیروی کار بیشتری جذب می‌کنند و دوما هم اینکه قرارداد می‌بندند. این قرارداد بستن که من خیلی روی آن تاکید می‌کنم برای این است که ما الان یک بازار کار داریم که یک بخش غیررسمی بزرگ دارد. بخش غیررسمی هم یعنی اینکه آن بخش از بازار کار که سیاست‌های دولت و سیاست‌های کلان اقتصادی به آن اصابت نمی‌کند در واقع از حوزه اختیارات ما خارج هستند. بحث صیانت از نیروی کار که یکی از مسایل اساسی دولتی است، در این بنگاه‌ها نمی‌تواند مورد حمایت قرار گیرد.

● **شما به تبعات اجتماعی مهاجرت بنگاه‌های کوچک توجه دارید؟**

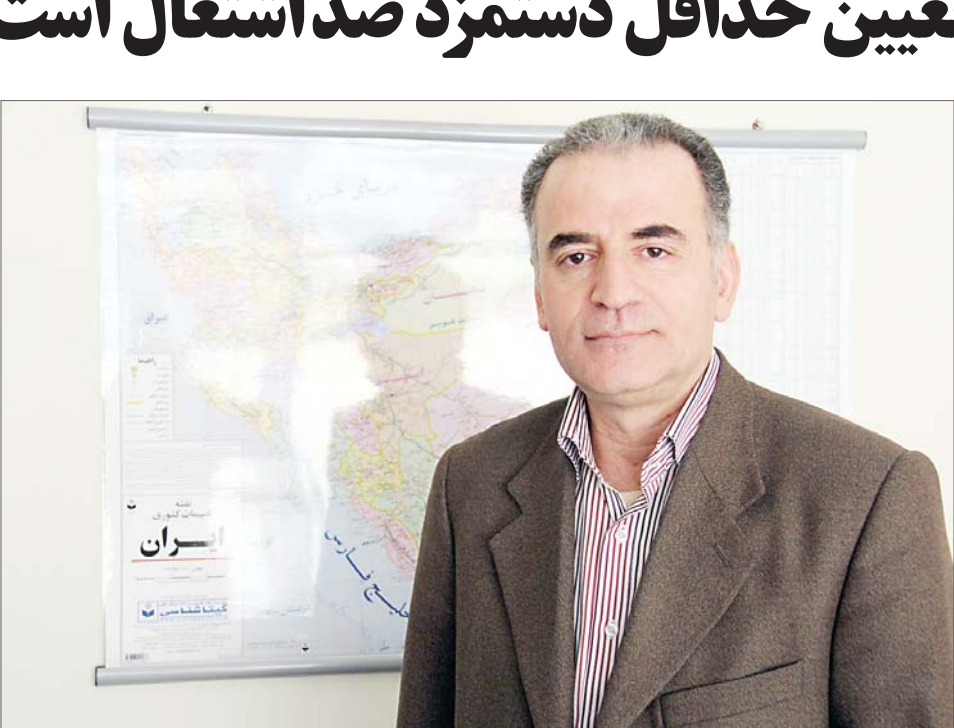
ببینید من این را از لحاظ اقتصادی بسیار مفید می‌دانم که ما بیاییم یک سیاستی را اتخاذ کنیم که صاحبان سرمایه‌های کوچک یا صاحبان اعتبارات خرد از مرکز به پیرامون هدایت شوند. برای صاحبان سرمایه این امر مبارک است و این اصلا اشکالی ندارد. چون ما الان روی تهران متمرکز هستیم و مشکلاتی که الان تهران، اراک، اصفهان، مشهد و تبریز دارند سر تراکم آن واحدهای صنعتی است. حال اگر بیاییم سیاستی را اتخاذ کنیم که اینها بار ترافیکی‌شان کم شود یک امر مطلوبی است. همه کشور درگیر تولید و اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌شوند

بنگاه‌های کوچک یعنی بنگاه‌های شخصی، در این بنگاه‌ها ملاحظات شخصی و خانوادگی خیلی بیشتر از ملاحظات بنگاه‌های بزرگ است. یک بنگاه‌دار کوچک نمی‌تواند به راحتی مهاجرت کند. قطعاً همین‌طور است ولی ببینید اگر از این بنگاه‌ها یک حرکتی شروع شود که به شهرهای بزرگ دور شوند شهرهای دسته دوم و سوم... محروم با خودشان یکسری امکانات را می‌برند. الان یکسری از بنگاه‌های خدماتی در شهرهای کوچک مقرون به صرفه نیستند چون اصلا

اقتصاد

حسن طلایی در گفت‌وگو با «شرق»:

تعیین حداقل دستمزد ضد اشتغال است



مقناضی ندارند. اگر بنگاه‌های کوچک در آنجا سرمایه‌گذاری کنند و اشخاصی داشته باشند و به هر حال یک نیروی قابل‌توجهی داشته باشند، یکسری تقاضا ایجاد می‌کنند و خدماتی، مثل دبیرستان غیرانتفاعی، دانشگاه غیرانتفاعی، انواع سینما‌ها، تئاتر، شهر بازی‌ها یا بنگاه‌های دیگر و مراکز بهداشتی، درمانی؛ آن چیزی که مسایل زندگی مردم را حل می‌کند

● **آقای دکتر این مدلی که شما تعریف می‌کنید بیامش برای نیروی فعلی کار چیست؟ به‌خصوص آنهایی که در شهرهای بزرگند و به دلیل تورم، دغدغه افزایش قیمت و افزایش حقوق دارند.**

ببینید توصیه من برای این نیرو که الان در بنگاه‌های بزرگ و حتی در بنگاه‌های متوسط شاعلند، این است که اینها باید

در چار‌چوب اتحادیه‌های کارگری دنبال گفت‌وگو‌های اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی باشند. موضوع اصلی باید «کار شایسته» باشد. دو تا از آیتم‌های کار شایسته

یکی گفت‌وگوی اجتماعی و دیگری حمایت اجتماعی است. اینجا با افزایش بهروری خوجشان باید حقوق و دستمزد بالاتری را مطالبه کنند، در چار‌چوب اتحادیه‌ها ببینند و سراغ گفت‌وگو‌های اجتماعی که قانون هم از آنها حمایت می‌کند بروند. من اصلا مخالف افزایش دستمزد نیستم چون بالاخره باید اینها یک کار شایسته داشته باشند، حقوق شایسته بگیرند که زندگی شایسته کنند، من با اینها مشکلی ندارم و می‌گویم حقوقشان اضافه شود اما حقوق آنها باید بر اساس بهروری‌شان و بر اساس ارزش‌های تولید نیروی کارشان باشد.

بحث حداقل دستمزد یک پرداخت دستمزدی را اجبار می‌کند که همه بنگاه‌ها بپردازند و این مشکل است. ضدتولید و ضدکار است. اصلا بعضی بر اساس شاخص‌های شایسته (دستمزد‌ها) تحلیل می‌کنند بعضی‌ها بر اساس شاخص‌های مقداری یا خود سطح اشتغال

من با توجه به اینکه گفتیم الان در طول پنج سال آینده حدود شش، هفت‌میلیون بیکار و چمسا بیشتر وارد بازار کار می‌شوند اگر این جمعیت هفت‌میلیونی الان پشتش بازار کار نمانده بود و حداقل دومیلیون نفر بودند من قطعاً جور دیگری صحبت می‌کردم. الان با توجه به شرایطی که وجود دارد با توجه به اینکه من ربه‌گونه‌ای با اینها دیدم که مانع جذب اینها نشویم دستمزد را پایین بیآوریم اما قرارداد رسمی ببندیم و آنکه یکسال کار می‌کند برایش سابقه کار محسوب شود. من مخالف با افزایش حقوق آن سسته نیستم.

● **برگردیم به سمت افزایش حقوق. بحث اتحادیه‌ها چون ملاحظات‌ها در کشور دارد تقریبا منفی است.**

این مشکل بزرگی در بازار کار ایران است. فقدان اتحادیه‌های واقعی نیروی کار در ایران موجب این شده که طبقه کارگر در ایران مورد کمترین حمایت قرار بگیرد. کارگر کمترین توان دفاع از منافع خودش را دارد اگر اتحادیه کارگری ما به صورت واقعی برخاسته از متن جامعه کارگری ایستد. این‌گونه خیلی از مسایل ما حل می‌شود پس من توصیه می‌کنم که برای بهبود و تحول نهادهی بازار کار حتما باید اتحادیه کارگری وضعیتش در کشور سامان پیدا کند.

● **با این توضیحات در نظر تان سطح دستمزد امسال چه مقدار باید باشد؟**

برای آنها که شاعلند واقعا باید این مساله موردنظر قرار گیرد؛ بهروری نیروی کار که در سال گذشته تحولی داشته است که از نظر من خیلی مهم است.

● **چه تحولی؟**

بالاخره سننوتای به آنها در طول یک‌سال کار می‌خورد و تجربه‌ای کسب می‌شود. مهارت بیشتری پیدا می‌کنند و طبیعتاً بهروری‌شان بالا می‌رود. از این ناحیه دستمزدها باید افزایش پیدا کند. همچنین یکی دیگر از مسایلی که باید رعایت کنیم تعیین معیشت نیروی کار است. حال نیروی کاری که صاحب خانواده‌ای هم هست و فرضا خانواده چهار، پنج نفری هم دارد، باید

تأمین شود.

اسمال در شرایط خاص ما، دو آیتم تورم و بهروری توامان باید مورد اعلان‌نظر قرار گیرد. در اینجا برای نیروه‌های که صاحب تخصص هستند و در واقع کار سطح بالایی ارایه می‌دهند برای اینها توصیه دستمزد کارآیی را داریم یعنی باید دستمزدی را صاحبان بنگاه‌ها به این بدهند که موجب افزایش کاری آنها شود حتی یک مقدار بیشتر از نرخ تورم که رسماً اعلام می‌شود ولی برخی از اینها واقعا به لحاظ مهارتی بهروری در آن سطحی نیستند که توصیه نیل به افزایش دستمزد و کارآیی را داشته باشیم.

ما برای اینها در واقع دو آیتم بهروری و تورم را در نظر می‌گیریم که حدود ۲۰، ۱۵درصد برای بخشی از این نیروی کار کفایت می‌کند ولی برخی از اینها که خیلی نقش کلیدی در بنگاه‌ها دارند واقعا باید دستمزدشان خیلی بیشتر باشد.

● **یعنی باز هم با وضع موجود مدل منعطف را مدنظر دارید؟**

اصلا سخن من این است که تعمیم یک الگو در تمام کشور کار درستی نیست، تعمیم الگوی تعیین حداقل دستمزد در واقع مداخلت‌اش است و نیروی کار بیرون از حوزه کار را بیرون می‌کند. ادامه دارد...

اقتصاد

پنجشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۹۱

خبر

نشست شورای پول و اعتبار بی‌نتیجه ماند

● **شرق:** شورای پول و اعتبار در آخرین جلسه اسمال خود تصمیم جدیدی درباره تغییر نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی نگرفت و بررسی بسته جدید سیاستی- نظارتی را نیز به سال آینده موکول کرد. آخرین جلسه شورای پول و اعتبار، سه‌شنبه شب در محل بانک مرکزی برگزار شد ولی اعضای این شورا تصمیم جدیدی برای تغییر نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی در سال آینده اتخاذ نکردند. پیش‌تر محمود بهمنی، رییس کل بانک مرکزی درباره احتمال تغییر نرخ سود تسهیلات بانکی سخن گفته بود. اما شورای پول و اعتبار این موضوع را در آخرین نشست سال ۹۱ خود در دستور کار قرار نداد. شورا قرار است در اولین نشست سال آینده خود بسته سیاستی- نظارتی سال ۹۲ را مورد بررسی و تصمیم‌گیری قرار دهد. وی با بیان اینکه باید تغییراتی در نرخ سود بانکی ایجاد شود، تاکید کرده بود. اگر نرخ سود سپرده‌ها و اوراق مشارکت تغییر نکند، با کاهش ارزش پول نباید انتظار داشته باشیم که مسایلی مانند بازار ارز و سکه شکل نگیرد.

الزام ایرلاین‌ها به راه‌اندازی هواپیمای پشتیبان در نوروز

● **فارس:** معاون وزیر راه و شهرسازی با تاکید بر ممنوعیت فروش بلیت پروازهای چارتری، گفت: به منظور ساماندهی و کاهش تأخیرات پروازی احتمالی در ایام نوروز، شرکت‌های هواپیمایی ملزم به پیش‌بینی هواپیمای پشتیبان (BACK UP) در این ایام شدند. خیان حمیدرضا پهلوانی اظهار داشت: امید است با همکاری و پشتیبانی تمامی بخش‌های ذیربط در امر پرواز، بهترین مدیریت شبکه پروازی و کاهش چشمگیر تأخیرات نسبت به سال گذشته در نوروز ۹۲ را شاهد باشیم. وی گفت: شرکت‌های هواپیمایی باید با ایجاد هواپیمای پشتیبان (BACK UP) بتوانند در مواقع اضطرار با بروز نقص فنی در یکی از هواپیما‌ها، در کمترین زمان ممکن نسبت به جابه‌جایی به موقع مسافران اقدام کنند.

حداقل دستمزد در تمام کشورها بر اساس خط فقر تعیین می‌شود

● **ایرنا:** رییس هیات مدیره مجمع عالی نمایندگان کارگری گفت: حداقل دستمزد در تمام کشورها بر اساس خط فقر که همان میانگین سبب معیشت خوار است، تعیین می‌شود. سیدمحمد راباحمدیان افزود: دستمزد کارگران باید بر اساس نرخ تورم و سبب معیشت خوار که در ماده ۴۱ قانون کار بر آن تاکید شده، تعیین شود. وی با اشاره به وضعیت افزایش قیمت‌ها در سالجاری گفت: بی‌تردید افزایش ۲۵درصدی دستمزد کارگران برای سال ۱۳۹۲ نمی‌تواند جویگویی نیازهای کارگران و خانواده‌های آنها باشد. به گفته وی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی عهده‌دار تعیین خط فقر است. وی با اشاره به هزینه خوار که سال ۱۳۸۹ از سوی بانک مرکزی اعلام شده بود، بیان داشت: حتی اگر براساس آمار اعلام شده سال مذکور محاسبه کنیم، حداقل هزینه یک خانوار چهارنفره یک ۱۵۸میلیون تومان می‌شود. وی با بیان اینکه نرخ تورم اسمی که از سوی بانک مرکزی برای بهمن ماه اعلام شده است، ۲۰/۲درصد است، گفت: برخی از اقلام اساسی در بازار بیش از میزان اعلام شده افزایش قیمت داشته است، به طوری که شاهد افزایش ۸۰ تا صددرصدی قیمت برخی کالا‌ها هستیم. وی با اشاره به افزایش قیمت دلار گفت: کاهش ارزش رتال در برابر دلار نیز شرایط دشواری را در قدرت خرید کارگران ایجاد کرده که باید این ضعف در قدرت خرید با افزایش دستمزد جبران شود. وی در ادامه افزود: بر اساس محاسبات انجام شده سایر سطوح مزدی نیز افزایش ۱۶ تا ۲۱درصد داشته که این نیز مبلغ ناچیزی است. این فعال کارگری با بیان اینکه افزایش ۲۵درصدی دستمزد فقط برای حداقل‌ها است، به حق مسکن در دستمزد کارگران اشاره کرد و گفت: حق مسکن از سال ۱۳۸۴ برابر با ۱۰هزار تومان بوده که برای سال آتی هم تغییری نکرده است. راباحمدیان گفت: با محاسباتی که از سوی مجمع عالی نمایندگان کارگری انجام شده، حداقل دستمزد یک خانوار کارگری برای تأمین حداقل‌های زندگی، ۱/۲میلیون تومان محاسبه شده است.

پریده اخبار

● **ایسنا:** مفیدایمنی مدیر کل نظارت فنی بیمه مرکزی گفت: افرادی که به تازگی بیمه نامه شخص ثالث خود را دریافت یا تمدید کرده‌اند، با توجه به افزایش نرخ دیه تنها تا ۲۱ اردیبهشت ۹۲ فرصت دارند تا الحاقیه خود را دریافت کنند.
● **شرق:** بهروز مرادی معاون برنامهریزی و نظارت راهبردی رییس جمهوری در حکمی محمدرضا سعیدی را به سمت رییس مرکز اسناد، مدارک و انتشارات این معاونت منصوب کرد.
● **فارس:** با وجود اعلام بانک مرکزی مبنی بر توزیع اسکناس‌های نو بین ۵شعبه منتخب بانک ملی و تجارت، اغلب متقاضیان دست خالی از شعب خارج می‌شوند.
● **ایسنا:** ابراهیم درویشی معاون نظارت تی بانک مرکزی تاکید کرد: هر موسسه اعتباری که بیش از ۲۰درصد سود پرداخت کند کمبود نقدینگی داشته و این موسسه قابل اعتمادی نیست.